# ایران و چین به زبانِ این هنر با هم حرف می‌زَنند!

**■ جادوی سبزی شرقی روی سفالینه‌ها برق می‌زند؛ رنگی منحصر به‌فرد که در فرهنگ‌نامه‌های لغت نیز به صورت مشخص شناخته شده است؛ «سلادون»، در لغت‌نامه دهخدا «سبز بیدی»، در فرهنگ لغت فرانسه به فارسی «سبز روشن و مغز پسته‌ای» و در فرهنگ مختصر آکسفورد به معنای «رنگ سبز مایل به خاکستری که بر برخی سفالینه‌ها می‌دهند» معنی شده است.**

خاطره مکینیان

**گروه گردشگری** –لعاب نرم، بدون اندکی زبری بر سطح سفالینه پخش شده؛ شیشه‌ای و براق است و همین ویژگی بر جلوه رنگش که اغلب سبز مایل به خاکستری است می‌افزاید. سفالینه‌های «سلادون» را می‌توان در اولین نگاه با رنگ سبز منحصربه‌فردشان شناخت؛ گرچه سلادون‌ها با لعاب‌های احیایی‌شان طیف رنگی سبز تا قهوه‌ای را شامل می‌شوند.

چین خاستگاه این هنر سنتی است؛ بدنه بسیاری از سلادون‌ها، از خاکِ سختی که در چین وجود دارد، جانِ گرفته است؛ این هنر البته در کشورهایی دیگری هم رواج دارد که ایران نیز یکی از آن‌ها است و با استناد بر نشست‌های مشترک ایران و چین در فرهنگستان هنر و نشست‌های کمیته فنی همکاری‌های گردشگری ایران و چین به نظر می‌رسد که این هنردستی تاریخی یکی از پل‌های تبادلات فرهنگی و گردشگری میان دو کشور ایران و چین باشد.

ساخت سفالینه‌های سلادون در ایران نیز دارای پیشینه‌ای طولانی است و از این منظر می‌توان ایران را از جمله پیشگامان هنر دستی ساخت سفال سلادون دانست. حسب همین امر، برخی پژوهشگران هنری، سلادون را زبان هنری مشترک، میان ایران و چین می‌دانند؛ شیوه اجرای این هنر البته وجوه تمایزی میان دو کشور دارد.

در پژوهش‌ها آمده است، برخلاف اینکه گفته می‌شود سلادون‌های ایران تقلیدی از نمونه‌های سلادون در اولین خاستگاه آن، چین است، اما پژوهش‌ها نشان می‌دهند صنایع دستی سفال ایران فراتر از تقلیدِ صرف از نمونه‌های ابتدایی چینی صورت گرفته و در واقع سلادون‌های چین، محرک ذوق هنرمندان ایرانی بوده تا با کشف راه‌های جدید مسیری تازه را سر راه این هنر دستی قرار دهند.

پیشینه سفالگری در ایران قابل توجه است اما این هنر طی تاریخ به واسطه مناسبات اقتصادی و اجتماعی با دیگر فرهنگ‌ها و کشورهای تاثیراتی گرفته است؛ آنچه امروز از سفالینه سلادون در ایران می‌شناسیم نیز طبعا اثر هنر چین را داراست.

سلادون‌ها، سفالینه‌هایی ساخته شده از نوعی خاک چینی با بدنه‌ای سخت هستند. این هنر دستی دارای نقش‌های برجسته و قالب‌زده‌ای است که با افزودن مقادیری اکسیدِ آهن احیاء شده، لعاب گرفته است؛ مقادیر متفاوت آهن در لعاب، موجب تنوع رنگی آن شده و بر همین اساس طیف رنگی سبز و گاه رنگ کرم و قهوه‌ای دیده می‌شود. سلادون البته روی بدنه ظروف سفید یا گِل شفاف‌تر و بر ظروفی با بدنه‌های تیره سبز تیره‌تری را ایجاد کرده و حرارت بالا حین پخت لعاب نیز بر تیرگی سبز سلادون تاثیرگذار خواهد بود، البته ضخامت لعاب نیز در رنگ به دست آمده از این هنر سفالگری تاثیرگذار است.

لعاب سلادون با هر طیف رنگی، نقش برجسته‌ها را نمایان‌تر ساخته و با نفوذ به فرورفتگی‌های اثر، در کنار نقوش سایه و روشن ایجاد خواهد کرد.

**پژوهش‌های صورت گرفته در توضیح بازه زمانی ورود سلادون‌ها به ایران و تاثیرگذاری آن بر سفال به آموزش برخی تکنیک‌های سفالگری رایج در چین به هنرمندان ایرانی اشاره کردند. در این منابع آورده شده که زمان فرمانروایی تیمور، از سفالگران چینی دعوت شده تا برای آموزش فن و تکنیک آثار خود به ایران بیایند؛ آنان در کرمان مستقر شده و در کنار هنرمندان ایرانی فعالیت کردند. بر اساس آنچه که در برخی منابع آمده است، طی حکومت‌های تیموریان و صفویان نیز کرمان از جمله مهم‌ترین مراکز هنر سفالگری و ساخت ظروف سلادون بود.**

طیف رنگی سلادون، از اهمیت بیشتری نسبت به آنچه به نظر می‌رسد برخوردار است؛ نامگذاری سفالینه‌ها از زمان‌های دور، اغلب بر اساس شیوه تزیین، مکان تولید یا رنگ آن‌ها انجام می‌شد.

«سلادون»، در لغت‌نامه دهخدا «سبز بیدی»، در فرهنگ لغت فرانسه به فارسی «سبز روشن و مغز پسته‌ای» و در فرهنگ مختصر آکسفورد به معنای «رنگ سبز مایل به خاکستری که بر برخی سفالینه‌ها می‌دهند» معنی شده است و در برخی مقالات مرتبط با سفال سلادون، دو نظریه درباره واژه «سلادون» مطرح شده است. یکی از دو نظریه توضیح می‌دهد که «سلادون» به معنای سبز روشن، در قرن هفدهم از رنگ لباس‌های یک هنرپیشه تئاتر، که نقش چوپان را ایفا می‌کرده برگرفته شده؛ نظریه دیگر نیز توضیح داده که اصطلاح «سلادون» شکل تغییر یافته‌ای از نام «صلاح‌الدین ایوبی» است که سال ۱۱۷۱ میلادی، ۴۰ قطعه از ظروف سلادون را برای سلطان نورالدین حاکم سوریه فرستاده است.

فارغ از آنچه که موجب نامگذاری این سفال شده، آنچه که قطعی است خاستگاه این هنر است؛ چین را پیشگامان هنر سفال و سرامیک است و اولین سلادون‌ها که به سلادون‌های اولیه شهرت دارد، در قرن هجده تا دوازده پیش از میلاد در چین ساخته شدند. با گذشت زمان ساخت سلادون‌های اولیه در چین متحول شده و سفالگران چینی به مرور لعاب‌های نازک‌تری را استفاده کرده و طیفی از رنگ‌های زرد–قهوه‌ای تا سبز روشن را به دست آوردند.

در دوره تانگ(یک دودمان پادشاهی در چین)، هنر ساخت ظروف سلادون در چین با پیشرفت چشمگیری مواجه شد و از آن زمان، سلادون‌ها به عنوان یک ساز نیز استفاده شدند. بر اساس مقالاتی در این زمینه، با گذر زمان و تقریبا همزمان با این دوره بود که نمونه‌هایی از به کارگیری هنر ساخت سفال سلادون در کشورهای ایران، مصر و کره نیز دیده شد.

کشور ایران و چین، پیش از ورود اسلام به ایران نیز، در زمینه‌های تجاری، فرهنگی و سیاسی ارتباطاتی داشتند؛ تجار از راه دریا و زمین، به ویژه از طریق جاده ابریشم، با یکدیگر در ارتباط بوده و به این طریق از یکدیگر تاثیر گرفتند؛ هنر این دو کشور نیز از یکدیگر بی تاثیر نبود و برخی پژوهشگران بیشترین تاثیر هنر چین در ایران را در زمینه هنر سفالگری می‌دانند؛ این تاثیر در برخی منابع، صدور نوعی خاک و خمیر چینی به ایران قرن‌ها قبل از دوره‌ی صفویه، صدور ظروف چینی و سفالین ساخت چین به ایران، رقابت ایران وچین در تولید و صدور چینی و سفال و البته حضور و فعالیت سفالگران چینی در ایران می دانند.

سلادون نیز از جمله سفالینه‌هایی است که احتمالا در پی یکی از موارد ذکر شده، به ایران وارد شد و از اواخر دوره ایلخانی و پس از آن در دوره‌های تیموری و صفوی سفالگران ایرانی از این سفالینه‌ها الگوبرداری کردند.

تلاش جدی برای ساخت سلادون‌ها، از زمان ایلخانیان در ایران آغاز شد و طی دوره تیموریان به دلیل داد و ستد پررونق با بازرگانان چین، تاثیرپذیری از این هنر افزایش داشت و به همین سبب نیز در نگارگری‌هایی که از دوره تیموری به جا مانده، طرح و نقشی از سفالینه‌ها نیز دیده می‌شود؛ اولین شاخصه از سلادون‌ها که در سفالینه‌های ایران از آن تقلید شد نیز، رنگ بود.

پژوهش‌های صورت گرفته در توضیح بازه زمانی ورود سلادون‌ها به ایران و تاثیرگذاری آن بر سفال به آموزش برخی تکنیک‌های سفالگری رایج در چین به هنرمندان ایرانی اشاره کردند. در این منابع آورده شده که زمان فرمانروایی تیمور، از سفالگران چینی دعوت شده تا برای آموزش فن و تکنیک آثار خود به ایران بیایند؛ آنان در کرمان مستقر شده و در کنار هنرمندان ایرانی فعالیت کردند. بر اساس آنچه که در برخی منابع آمده است، طی حکومت‌های تیموریان و صفویان نیز کرمان از جمله مهم‌ترین مراکز هنر سفالگری و ساخت ظروف سلادون بود.

در هر شرایط، در سال‌های دور به علت افزایش روابط هنری و تجاری ایران با چین و قرار گرفتن ایران در مسیر جاده ابریشم، هنر ایران از هنر چین تاثیر گرفت که تجلی آن را می‌توان در آثار سفالین چینی‌های آبی و سفید و سلادون‌ها، کاشی کاری، نگارگری، بافته‌ها، قالی‌ها و هنر کتاب آرایی و تجلید و به خصوص در تشعیر مشاهده کرد.

## ٤ پرونده ایران برای ثبت جهانی مشخص شد

**گروه گردشگری** –همزمان با صدور احکام مدیران پرونده‌های ثبت جهانی، موضوع پرونده‌های ایران برای ثبت در یونسکو مشخص شد. علی دارابی با صدور احکامی برای مدیران چهار پرونده ایران برای ثبت جهانی در یونسکو، به نوعی از پیگیری‌ها برای تهیه چهار پرونده «مسجد ایرانی»، «آسبادهای ایرانی»، «خانه‌های ایرانی و منظر فرهنگی ماسوله» و «قلعه فلک‌الافلاک و دره خرم آباد» خبر داد. معاون میراث فرهنگی در احکام جداگانه‌ای، عبدالرسول وطن‌دوست را به عنوان مدیر پرونده ثبت جهانی «مسجد ایرانی» و محمدحسن طالبیان را به عنوان مدیر پرونده ثبت جهانی «آسبادهای ایرانی» منصوب کرد. ایران از سال ۱۳۵۷ ثبت آثار تاریخی را در یونسکو آغاز کرد، اما پس از انقلاب و با شروع جنگ تحمیلی و تا سال ۱۳۸۲ در ثبت غفلت کرد که به گفته کارشناسان میراث فرهنگی آن رویکرد، ایران را ۲۴ سال از ثبت جهانی عقب نگه داشت، از همین رو وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی برای جبران آن عقب‌ماندگی سراغ پرونده‌های زنجیره‌ای رفته است که ثبت کاروانسراهای ایرانی در سال ۱۴۰۲ از آن جمله بود. معاون میراث فرهنگی با تاکید بر این سیاست، پرونده‌های زنجیره‌ای دیگری را همچون مسجد و خانه‌های ایرانی آغاز کرده است. در ادامه احکامی که برای مدیران پرونده‌های ثبت جهانی صادر شده است، مصطفی پورعلی، مدیر پرونده‌های «خانه‌های ایرانی و منظر فرهنگی ماسوله» شد. پرونده «منظر فرهنگی ماسوله» درحالی امسال و در چهل و پنجمین کمیته میراث جهانی یونسکو مطرح شد که با مخالفت ایکوموس، رأی یونسکو را برای ثبت جهانی نگرفت و به پیشنهاد کشورهای عضو «دیفر» شد؛ به این معنی که یونسکو به ایران فرصت دوباره داد تا ایرادهای این پرونده را که ایکوموس (شورای بین‌المللی بناها و محوطه‌های تاریخی) به آن وارد کرده است، رفع کند و دوباره، بدون محدودیت سهمیه‌ای برای بررسی به یونسکو بفرستد؛ به این معنی که ایران در اجلاس بعدی دو پرونده می‌تواند داشته باشد. معاون میراث فرهنگی همچنین عطاحسن‌پور نیز را به عنوان مدیر پرونده «قلعه فلک الافلاک و دره خرم‌آباد» انتخاب کرد. دارابی در این احکام، برنامه‌ریزی دقیق برای رفع موانع ثبت جهانی این پرونده‌ها و تدوین مطالعات نهایی آن‌ها برای ارسال در زمان مقرر را خواستار شده است. همچنین مدیران پرونده‌ها مکلف شده‌اند با کمک جمعی دیگر از کارشناسان، این پرونده‌ها را تدوین کرده و در شورای ثبت جهانی به ریاست معاون میراث فرهنگی نهایی کنند.

## کشف سازه‌ای عظیم از عصر برنز

**گروه گردشگری** –باستان‌شناسان موفق به کشف تالاری در ابعاد بسیار بزرگ و ارتفاع ۱۰ متر شدند که احتمال می‌دهند توسط خانواده سلطنتی ساخته شده باشد. باستان‌شناسان در آلمان بقایای یک سالن عظیم را کشف کردند که احتمالاً حدود ۳۰۰۰ سال پیش توسط خانواده سلطنتی استفاده می‌شد. این سازه عظیم که در نزدیکی برلین کنونی قرار دارد، با طرحی به ابعاد ۱۰۲ در ۳۳ فوت (۳۱ در ۱۰ متر)، بزرگترین بنای باستانی شناخته شده در نوع خود در منطقه است. بنا بر گفته باستان‌شناسان، این بنا بین قرن‌های ۱۰ و ۹ قبل از میلاد در طول عصر برنز نوردیک ساخته شده است.

ایمو هسکه (باستان‌شناس دانشگاه گئورگ آگوست گوتینگن در آلمان) که در ماه مارس به همراه تیمش این سالن را پیدا کرد، گفت: ما از اندازه این ساختمان متحیر شدیم. محققان به این کشف لقب «کشف حیرت‌انگیز» دادند. محققان فکر می‌کنند که این ساختمان زمانی به عنوان سالن اجتماعات پادشاه هینز، فرمانروای پریگنیتز، که اکنون منطقه‌ای در شمال آلمان است، استفاده می‌شد. با این حال، در مورد پادشاه، که داستان او تا به امروز یک راز باقی مانده است، چیز زیادی نوشته نشده است. بررسی بیشتر تالار نشان داد که دیوارهای ساختمان با استفاده از تخته‌های چوبی، چوب و داوب ساخته شده و با گچ سفالی تکمیل شده است. سقف با کاه یا کاهگل پوشانده شده بود. به دلیل ارتفاع ساختمان که ۲۳ فوت (۷ متر) بود، محققان فکر می‌کنند که این سازه دارای چندین طبقه است. علاوه بر تالار باقی مانده، باستان‌شناسان یک شومینه واقع در مرکز و یک ظرف مینیاتوری که احتمالاً برای مراسم استفاده می‌شد را کشف کردند. این سازه در همان منطقه گورستان قرار دارد که کارگران به طور اتفاقی در سال ۱۸۹۹ در طی یک پروژه ساخت جاده آن را کشف کردند. تنها دو ساختمان دیگر در این ابعاد بین آلمان و دانمارک پیدا شده است.

## خانه‌ای که همیشه یک پایش می‌لنگد!

فائقه ارزانی

**گروه گردشگری** – خانه نیما یوشیج در تهران که این روزها کاربری خانه‌موزه دارد، شاید به ظاهر سروسامان گرفته باشد، اما به گفته رئیس شورای بین‌المللی موزه‌ها آنطور که باید با آن رفتار نشده است و کاربری بهتری می‌توان برای آن درنظر گرفت.

«نیما یوشیج» (پدر شعر نو فارسی) اهل مازندران بود و سال‌ها در خانه پدری‌اش در یوش می‌زیست، اما چند سالی در کنار همسرش «عالیه جهانگیر» و فرزندشان در خانه‌ای در دزاشیب تهران، در همسایگی جلال آل احمد و سیمین دانشور زندگی کرد؛ خانه‌ای که گفته می‌شود زمین آن با وامی که عالیه (همسر نیما) از بانک ملی گرفته بود، خریداری شد و بعدها توسط خود نیما و همسرش ساخته شد، اما نیما و عالیه سال‌های زیادی در این خانه زندگی نکردند. دو سال بعد از فوت عالیه هم فرزندشان این خانه را (سال ۱۳۴۵) فروخت.

بعد از آن یادگار نیما در تهران فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سرگذاشت؛ در دورانی متروکه و جای خواب معتادان شد. با این وجود تلاش‌های زیادی برای حفظ این خانه شد و به دنبال آن سال ۱۳۸۰ خانه در فهرست میراث ملی ثبت شد، اما بعد از ۱۶ سال یعنی آبان‌ماه سال ۱۳۹۶ با شکایت مالک وقت خانه که سودای تخریب داشت و با حکم دیوان عدالت اداری، از فهرست ثبت ملی خارج شد. هرچند علاقه‌مندان به نیما و میراث‌دوستان دست روی دست نگذاشتند و به این موضوع معترض شدند.

دی‌ماه همان سال ۱۳۹۶ گروه «خانه‌ام ابری است» با هدف جلوگیری از تخریب خانه نیما یوشیج در تهران، راه‌اندازی شد و جمعی از اهل قلم و هنر با امضاء بیانیه‌ای و جمعی از اهل فرهنگ و هنر نیز در نامه‌ای به شهردار تهران خواستار حفظ خانه «نیما یوشیج» در تهران شدند. به دنبال آن معاون رئیس‌جمهور دوم بهمن‌ماه ۱۳۹۶ در نامه‌ای به معاون میراث فرهنگی کشور خواستار سامان‌دهی و رسیدگی به وضعیت خانه نیما یوشیج شد. سازمان میراث فرهنگی با بررسی برخی مدارک و بر اساس ماده قانونی با عنوان ۷۹، در مکاتبه‌ای با دیوان عدالت اداری، بار دیگر درخواست بازگرداندن رأی ثبت ملی خانه نیما یوشیج را مطرح کرد و چهارم بهمن‌ماه ۱۳۹۶ «خانه نیما یوشیج» دوباره واجد ارزش ثبت شناخته شد.

بعد از پشت سر گذاشتن این چالش‌ها، انگار آب‌ها از آسیاب افتاد و خیال همگان از بابت خانه نیما راحت شد و همین، خانه نیما یوشیج را به فراموشی سپرد، در آن سال‌ها درخت‌ها خشکیدند و حیاط خانه به زباله‌دانی همسایه‌ها تبدیل شد. تنها یادگار نیما در تهران دیگر رنگ و بوی گذشته را نداشت و برای سرپا ماندن تقلا می‌کرد. آن‌قدر وضع وخیم شد که انجمن‌های دوستدار میراث فرهنگی دی‌ماه سال ۱۳۹۷ با حضور در جلو خانه «نیما» در محله دزاشیب و با روشن کردن شمع به یاد نیما، خواستار توجه مسئولان شهری و میراثی به وضعیت این بنای تاریخی و ملی شدند.

دوباره توجه‌ها به خانه نیما یوشیج در تهران جلب شد و فروردین سال ۱۳۹۸ شهردار منطقه یک تهران از خرید این خانه توسط شهرداری خبر داد و قرار بر این شد که سازمان زیباسازی مرمت خانه را آغاز کند و تا ۲۱ آبان‌ماه (سالروز تولد نیما یوشیج) این خانه را افتتاح کند؛ وعده‌ای که بیش از دو سال به طول انجامید و سرانجام خانه نیما یوشیج ۲۲ آبان‌ماه سال ۱۴۰۰ به خانه‌موزه تبدیل و افتتاح شد.

اکنون حدود دو سال از افتتاح خانه‌موزه نیما یوشیج می‌گذرد، اما این خانه جز این‌که گفته می‌شود «خانه نیما»ست، رنگ و بو و نشانی از زمان زیست نیما یوشیج ندارد؛ در ورودی چوبی و شیشه‌ای مدرن و آیفون تصویری که برای زنگ خانه کار گذاشته شده، در تضاد با شکل و شمایل قدیمی خانه است، حتی وسایل قدیمی خانه سر جایشان نیستند، انگار همیشه یک جای کار برای حفظ این یادگاری نیما می‌لنگد. احمد محیط طباطبایی ـ رئیس شورای بین‌المللی موزه‌ها در ایران (ایکوم) ـ درباره خانه نیما یوشیج در تهران و کاربری آن می‌گوید: نیما در ادبیات معاصر ایران و تحولات شعر فارسی جایگاه مهم و تأثیرگذاری دارد. او اهل یوش مازندران بود و خانه پدری او در یوش در زمان دکتر کازرونی (رییس وقت سازمان میراث فرهنگی در سال‌های ۷۲ تا ۷۶) مرمت شد و با مجوزی از دولت، پیکر این شاعر از امامزاده عبدالله به خانه‌اش در یوش منتقل و دفن شد. هر چه مدارک و اسناد از نیما و دوستان نیما که به او هدیه داده شده بود، یا امضاء نیما پای آن بود، به خانه‌اش در یوش منتقل و به نمایش گذاشته شد. همچنین در سال ۱۳۸۳ در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در هفته میراث فرهنگی، بابک گرمچی (نقاش، متخصص چاپ دستی و گرافیست ایرانی) از سوی سازمان میراث فرهنگی نمایشگاهی از نیما و آثارش برپا کرد و کل این نمایشگاه نیز به خانه نیما در یوش منتقل شد.

او ادامه می‌دهد: وقتی موضوع خانه نیما در تهران مطرح شد، شهرداری تهران و واحد زیباسازی، این خانه را در اختیار گرفتند، اما متاسفانه با خانه نیما در تهران آن رفتاری که با خانه دکتر شریعتی و خانه سیمین و جلال داشتند، نشد.

در واقع این خانه دچار دستبرد به معنای تغییر در وجوه تاریخی آن شد. ضمن اینکه مدارک، وسایل و اسناد این خانه موجود نیست، اما به هر حال این خانه هنوز باقی است و بهتر است به جای خانه ـ موزه نیما یوشیج، به «موزه یا کتابخانه نیما یوشیج» یا «خانه شعر و ادبیات معاصر ایران» تغییر کاربری داده شود، چون مدارک و اسناد مربوط به نیما در خانه یوش قرار گرفته است و از آن مدارک نمی‌توان در این خانه هم استفاده کرد. همچنین می‌توان در خانه تهران نیما با استفاده از حقیقت مجازی فضاسازی‌هایی انجام داد که برای مخاطب جذاب باشد.

محیط طباطبایی همچنین به وضعیت قبر مادر و همسر نیما یوشیج در قبرستان امامزاده عبدالله اشاره می‌کند و می‌گوید: قبر نمادین نیما که در گورستان امامزاده عبدالله قرار داشت، در سال‌های گذشته توسط شهرداری ساماندهی شد و یادمانی هم برای او گذاشتند، اما قبر مادر و همسرش که در کنار او قرار داشت نیاز به ساماندهی دارد. همچنین برای یادمان نیما در امامزاده عبدالله می‌توان از QR کد استفاده کرد.

روزنامه اقتصاد کیش
روزنامه اقتصاد کیش مشترک می پذیرد: ۱۴۰۲

علاقه مندان به اشتراک و دریافت روزنامه اقتصاد کیش می توانند فرم زیر را تکمیل و پس از پرداخت هزینه اشتراک به حساب جاری ۸۷۱۰۰۰۰۹ و یا شماره کارت :۵۸۹۴۶۳۷۰۰۰۰۸۳۷۱۴ بانک رفاه شعبه بازار پانیذ به نام شرکت اقتصاد کیش فرم را به همراه رسید واریزی به نشانی ویلاهای مروارید - بلوک B۳ - طبقه ۳ - واحد ۷۱۵ - یا به شماره ۴۴۴۲۴۹۶۸ فاکس نمایید .

۱ ماهه: ۲/۲۵۰/۰۰۰ ریال
۳ ماهه: ۶/۷۵۰/۰۰۰ ریال
۶ ماهه: ۱۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال
یکساله: ۲۷/۰۰۰/۰۰۰ ریال

مشخصات :

نام شرکت / موسسه / شخص :
نشانی :
تلفن :
تعداد مورد تقاضا :

توضیحات :

۱. هزینه اعلام شده برای ۱ نسخه روزنامه می باشد .
۲. در صورت تغییر محل ، نشانی جدید را به امور مشترکین اطلاع دهید.
۳. تاریخ شروع و پایان دوره اشتراک را برای خود یادداشت کنید.

در صورت عدم دریافت روزنامه سریعا به امور مشترکین اطلاع دهید .
شماره مستقیم امور مشترکین روزنامه ۴۴۴۲۳۹۱۰
با ارائه نظرات ، انتقاد و پیشنهادات سازنده خود ما را در این امر یاری نمائید .

Tiyamnet
Tiyam.ir
TRK
تیام رایان کیش
اینترنت پرسرعت ...
نصب و راه اندازی دوربینهای مداربسته
پشتیبانی دوربینهای مداربسته
رفع اشکال
نصب و راه اندازی شبکه
پشتیبانی شبکه
مشاوره رایگان
۰۷۶۴۴۸۰۵ - ۷۶ و ۰۷۱۹۱۰۹۲۶۷۵